

## اروپا و چالش مالیات‌های سوختی

مذکور و سیاست‌های انرژی کشورهای صنعتی محقق نمی‌شد و انرژی‌های نو، ذغال سنگ و انرژی هسته‌ای توان رقابت با نفت ارزان را نداشتند. حتی بخشی از مالیات‌های نفتی دریافتی در این کشورها صرف اعطای یارانه به سایر انرژی‌ها مانند ذغال سنگ می‌شود تا بتواند با نفت خام رقابت کرده و سهم خود را در سبد انرژی مصرفی آن کشورها حفظ کند.

از طرفی اهمیت یافتن مباحث مربوط به محیط زیست در دهه‌های بعدی نیز تداوم و افزایش نرخ مالیات‌های فرآورده‌های نفتی را بیش از پیش تشویق کرد و مالیات‌های جدیدی تحت عنوان مالیات بر کربن وضع شد. البته تا جایی که این مالیات‌ها کنترل‌کننده مصرف نفت و فرآورده‌های نفتی بودند و تا جایی که از محل این مالیات‌ها به توسعه سوخت‌های پاک کمک می‌شد، مقوله مالیات بر کربن قابل توجیه بود، اما پرداخت یارانه به ذغال سنگ (با حامل کربن بیشتر از نفت خام) قابل توجیه نبود و در واقع نشان می‌داد که استراتژی‌ها و سیاست‌های انرژی کشورهای صنعتی از اولویت بیشتری حتی نسبت به سیاست‌های زیست محیطی ایشان برخوردار است و آنجایی که این دو در تقابل با یکدیگر قرار گیرند سیاست‌های انرژی است که



طی هفته‌های گذشته شاهد اعتصابات کامیون‌داران یا دست‌اندرکاران حمل و نقل عمومی در بسیاری از کشورهای اروپایی علیه مالیات‌های دریافتی دولت‌ها از فرآورده‌های نفتی و خصوصاً بنزین و گازوئیل بودیم. وضع مالیات‌های سنگین بر نفت خام و فرآورده‌های نفتی در اغلب قریب به اتفاق کشورهای عضو «سازمان همکاری

تقدم دارد.

برآوردهای انجام شده توسط دبیرخانه «سازمان کشورهای صادرکننده نفت» (اوپک) نشان می‌دهد که طی دهه‌های اخیر متوسط مالیات دریافتی توسط کشورهای صنعتی از نفت خام و فرآورده‌های نفتی حتی بسیار بیش از کل درآمد اعضای سازمان اوپک بوده است. به عنوان مثال متوسط درآمد مالیاتی مذکور تنها برای کشورهای صنعتی عضو گروه هفت طی دوره بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ سالانه بیش از ۵۰ میلیارد دلار افزون‌تر از کل درآمد حاصل از نفت جمع اعضای اوپک بوده است.

اقتصادی و توسعه (OECD) «از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد. کشورهای صنعتی عضو سازمان مذکور عمدتاً این مالیات‌ها را جهت جلوگیری از اثر نوسانات قیمت جهانی نفت بر اقتصاد داخلی و نیز تحقق برنامه‌های انرژی خود تنظیم کردند. تلاش مستمر برای بهینه‌سازی مصرف انرژی، کاهش تقاضای نفت خام و متنوع‌سازی مبادی تأمین انرژی از طریق فراهم کردن امکان رقابت برای سایر حامل‌های انرژی، مستلزم بالا نگه‌داشتن قیمت فرآورده‌های نفتی برای مصرف‌کنندگان نهایی بود. در شرایط ارزان بودن قیمت فرآورده‌های نفتی هیچ‌یک از اهداف

ویژگی های اقتصادی نفت خام و فرآورده های آن به عنوان یک کالای ضروری و کم کشتش (کم بودن میزان کاهش تقاضا در مقابل افزایش قیمت)، این واقعیت را دیکته می کند که میزان مالیات ها باید در حد قابل توجهی باشد تا بتواند بر تقاضا تاثیر بگذارد. در میان هفت کشور صنعتی مذکور کمترین مالیات ها در این زمینه مربوط به ایالات متحده و بیشترین آن مربوط به کشور انگلستان است و در مقام مقایسه میزان مالیات های دریافتی از این ناحیه در کشورهای اروپایی بسیار بیشتر از کشورهای صنعتی غیر اروپایی مانند ایالات متحده، ژاپن و کانادا است.

در گذشته دولت های صنعتی در شرایط بالا رفتن قیمت های جهانی نفت، موج اعتراض ها علیه قیمت های بالای سوخت و انرژی و بویژه بنزین و گازوئیل را به سمت اوپک برمی گرداندند و افکار عمومی را علیه اوپک جهت

می دادند و حتی گاهی اوپک را عامل همه مشکلات اقتصادی جهان و کشورهای صنعتی معرفی می کردند. اما در موج جدید افزایش قیمت های جهانی نفت که طی دو سه سال اخیر اتفاق افتاده است، دیگر این امکان فراهم نگردیده است. ظاهراً افکار عمومی خصوصاً در کشورهای اروپایی متوجه شده اند که اولاً- هیچ کار

بیشتری از اوپک ساخته نیست و ثانیاً- بخش بیشتری از آنچه برای هر لیتر فرآورده نفتی می پردازند به جیب دولت هایشان سرازیر می شود و ربطی به اوپک ندارد. به نظر می رسد افشاگری های دبیرخانه سازمان اوپک طی دهه اخیر در مورد میزان این مالیات ها نیز بسیار مؤثر بوده است.

در هر حال اینک این اعتصاب ها، خصوصاً کشورهای اروپایی را با یک چالش جدی مواجه کرده است. با توجه به اینکه این مالیات ها ثابت نبوده بلکه به صورت نرخ مالیاتی است، متناسب با افزایش قیمت فرآورده ها افزایش می یابد و این در حالی است که به دلیل محدودیت در ظرفیت های پالایشی، میزان افزایش قیمت های جهانی خصوصاً در مورد بنزین و گازوئیل حتی شدیدتر از نفت خام بوده است. در شرایط قرار گرفتن قیمت های جهانی نفت در سطوح

بسیار بالا، اینک این مالیات ها دیگر از توجیه اولیه خود برخوردار نیست. سطوح قیمت های نفت به اندازه کافی بالا هست که برنامه های صرفه جویی و بهینه سازی مصرف و برنامه های متنوع سازی و ایجاد فرصت برای سایر منابع انرژی و حتی الزامات زیست محیطی را تمهید کند. اما به نظر می رسد که خصوصاً کشورهای اروپایی با چند مشکل برای کاهش این مالیات ها و یا نرخ مالیاتی مربوط به آن مواجهند. مشکل اول آن که در طول چهار دهه گذشته بودجه های دولت ها به این مالیات ها خو گرفته و وابسته شده است و در شرایط کاهش رشد اقتصادی و به تبع آن کاهش مالیات های بردرآمد، اتکای دولت ها به مالیات های مذکور بیشتر نیز خواهد شد، البته ممکن است دولت ها بتوانند بدون تغییر در میزان قدرمطلق مالیات نرخ مالیاتی را تغییر دهند اما در این رابطه با مشکل دوم مواجه خواهند بود. دومین مشکل عمدتاً مربوط به اتحادیه اروپا است. در سطح این اتحادیه با توجه

به ادغام اقتصادی و برداشته شدن مرزها، قیمت های کالاهای اساسی باید در بین کشورهای عضو اتحادیه در تناسب باشد. بنابراین تک تک کشورها نمی توانند به تنهایی قیمت ها یا نرخ های مالیاتی را تغییر دهند و رسیدن به توافق در سطح اتحادیه در این زمینه نیز بسیار دشوار خواهد بود. مشکل

احتمالی دیگر این است که همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد این مالیات ها به عنوان یک بالشتک دفاعی یا فتر انعطافی برای کنترل آثار انتقال نوسانات قیمت های جهانی نفت به اقتصاد داخلی نیز عمل می کنند و بنابراین نمی توانند بطور کلی کنار گذاشته شوند.

در هر حال پیش بینی می شود که این چالش خصوصاً در صورت تداوم روندهای فعلی قیمت های جهانی نفت مشکلات بسیار بیشتری را برای کشورهای صنعتی و به ویژه کشورهای اروپایی، به وجود آورد و نهایتاً این کشورها مجبور شوند دست از آزمندی بردارند و اگر هم این مالیات ها را حذف نمی کنند حداقل مکانیزم های منعطف تری را در این رابطه بکار گیرند و فشار این مالیات ها را بر شانه مردم سبک تر کنند.

مدیر مسئول

**ظواهر افکار عمومی خصوصاً در کشورهای اروپایی متوجه شده اند که اولاً- هیچ کار بیشتری از اوپک ساخته نیست و ثانیاً- بخش بیشتری از آنچه برای هر لیتر فرآورده نفتی می پردازند به جیب دولت هایشان سرازیر می شود و ربطی به اوپک ندارد. به نظر می رسد افشاگری های دبیرخانه سازمان اوپک طی دهه اخیر در مورد میزان این مالیات ها نیز بسیار مؤثر بوده است.**